

**درخواست بهزیستی از مسئولان
برای نگهداری کودکان
بی سرپرست و بدسرپرست**

● **ایستاد: معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور** با بیان اینکه بیش از ۹۰ درصد کسانی که اقدام به خودکشی می‌کنند، در آن لحظه تعادل روحی و روانی مناسب ندارند، گفت: چهار هزار و ۲۰۰ مورد خودکشی با مداخله مددکاران اورژانس اجتماعی، مدیریت و نافر جام شد. حبیب‌الله مسعودی فرید، با بیان اینکه در ۱۹۴ شهر کشور، مراکز اورژانس اجتماعی وجود دارد، اظهار کرد: مطابق قانون، باید در تمامی شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر مراکز اورژانس اجتماعی ایجاد شود. او این‌ور در حال حاضر در ۱۵۰ شهر کمبود این مرکز وجود دارد. وی افزود: در سامانه ۱۲۳ که آماده دریافت موارد نیازمند به اورژانس اجتماعی است مددکاران و روان‌شناسان مستقر هستند تا خدمات مختلف مشاوره‌ای را ارائه دهند و چنانچه موردی نیازمند فوری‌های خدمات سيار اورژانس بود آن را اعلام کنند.

فرید با اشاره به تعداد تماس‌های دریافتی با سامانه ۱۲۳ اورژانس اجتماعی اعلام کرد: تاکنون ۶۰۰ هزار تماس با این سامانه برقرار شده که ۱۵۰ هزار مورد آن مرتبط با فعالیت‌های اورژانس اجتماعی است.

وی با اعلام اینکه کودک آزاری از جمله مواردی است که در اورژانس اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، تصریح کرد: موارد کودک آزاری ۸،۵ درصد و همدست زبانی ۷،۵ درصد ثبت شده است و همچنین درصد زیادی از تماس‌ها نیز به مشاجرات و اختلافات خانوادگی مربوط می‌شود. وی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اورژانس اجتماعی را در بحث برطرف کردن موضوع خودکشی دانست و گفت: چهار هزار و ۲۰۰ مورد خودکشی با مداخله مددکاران اورژانس اجتماعی، مدیریت و نافرجام شده که هزار و ۴۰۰ نفر آقا و دوهزار و ۸۰۰ مورد خانم بوده‌اند.

فرید با تأکید بر اینکه ۸۷ درصد کودکانی که در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند، دارای سیرتوس هستند، خاطرنشان کرد: این کودکان که تعداد آنها ۹ هزار و ۲۰۰ نفر است، به سبب اینکه والدین آنها به دلایلی چون فقر، اختلالات روانی و کودک‌آزاری صلاحیت با توانایی نگهداری از فرزندان خود را ندارند، در این مراکز نگهداری می‌شوند. وی افزود: به‌طور سالانه برای هر کودک حداقل به بودجه‌ای معادل شش تا هشت میلیون نیازمند هستیم که این تأمین آن به توجه مسئولان برای یاری بهزیستی نیازمندیم.

مسائلی که پیش روی اجرای طرح کاهش قرارداد دارد

- **ایستنا:** پس از گذشت ۱۰ روز از اجرای طرح کاهش پلیس راهمایی و رانندگی تهران بزرگ از وجود برخی مسائل در اجرای این طرح انتقاد کرد. سردار سیدتیمور حسینی، درباره اجرای طرحی که مسئولان شهری با عنوان کاهش از آن نام می‌برند، گفت: با هماهنگی‌های انجام‌شده سرانجام از ابتدای آبان‌ماه آن دسته از خودروهای فاقد معاینه فنی که وارد محدوده طرح زوج و فرد شوند در ساعات اجرای این طرح از سوی دوربین‌ها جریمه می‌شوند که این طرح درحال حاضر در حال اجراست و دوربین‌های کنترل محدوده زوج و فرد با استفاده از اطلاعات سامانه سیما این دسته از وسایل نقلیه هر ۵۰ هزار تومان جریمه می‌کنند. وی با بیان اینکه در اجرای طرح کاهش با چند مسئله مواجهیم، ادامه داد: مسئله نخست به نواکان حمل‌ونقل عمومی است، این امر نیاز به تسهیل‌های دارد و باید تدابیر لازم در این زمینه اندیشیده شود و البته وضعیت نسبت به سال‌های قبل خیلی بهتر شده است.

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزیر مسئله دوم را ناوگان حمل‌ونقل سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف اعم از دولتی، نظامی و... دانست و گفت: ناوگان حمل‌ونقل را دستگاه‌ها مخصوصا ناوگان سنگین‌شان فرسوده بوده و باید نسبت به اصلاح آنها نیز اقدام شود. حسینی سومین چالش را موتورسیکلت‌های قدیمی و کاربراتوری عنوان کرد و ادامه داد: باید سازوکاری برای اخذ معاینه فنی موتورسیکلت‌ها نیز اندیشیده شود؛ چراکه موتورسیکلت‌ها نیز با توجه به تعداد بالایشان سهم زیادی در آلودگی هوای پایتخت به‌خصوص در نواحی مرکزی شهر دارند و در حال حاضر نمی‌توانند معاینه فنی بگیرند. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ اشاره به اینکه داشتن معاینه فنی مانند داشتن گواهینامه رانندگی نیست که تنها یک بار دریافت شود، ادامه داد: معاینه فنی پس از گذشت پنج سال از تاریخ تولید خودرو هر سال باید دریافت شود؛ ازاین‌رو باید رانندگان و مالکان خودروها حواسشان باشد که نسبت به دریافت معاینه فنی خودروهای خود در موعد مقرر اقدام کنند؛ چراکه علاوه بر ثبت دوربینی نداشتن معاینه فنی در محدوده زوج و فرد، همکاران من در پلیس راهور در دیگر نقاط پایتخت نیز نسبت به برخورد با خودروهای آلاینده و فاقد معاینه فنی اقدام کرده و این دسته از خودروها را به شکل دسته جرمه می‌کنند.

«قراردادهایی در صندوق ذخیره فرهنگیان بسته شد و ده‌ها و صدها میلیون ضرر و زیان می‌دهد. من را چه کسی باید جبران کند؟ چه کسی باید مسئولیت آن را بر عهده بگیرد؟ اینکه در ۱۰ سال شش‌هفت گزارش در این باره به معلمان داده نشده، به کسی باید پیگیری انضامی باشد؟». اینها سخنان و تئوریک منتقد دولت آقای روحانی نیست، اینها بخشی از سخنرانی «میدرضا حاجی بابایی»، وزیر سابق آموزش و پرورش، است؛ البته در سال ۱۳۸۷. اینان کسی از نماینده مجلس بود و قصد صندوق ذخیره فرهنگیان را داشتند تا آن صندوق را به جرم اختلاس و ارتشای هشت هزار میلیارد تومانی بازداشت بکنند و پرونده آنها اکنون قیامه قضاییه در حال پیگیری است.

پرهنگيان چيست؟

کارشنکی و موانعی را برای بررسی‌های ما ایجاد می‌کردند. اسناد تهیه‌شده از عملکرد این صندوق قطعا در آرشيو کميسيون آموزش و تحقيقات هست و نمايندگان مي‌توانند به آن مراجعه کنند؛ ولي حالا چرا ذاتي اين همه مدت به اين موارد به اين شکل - رسيدگي مي‌شود، نمي‌دانم». اين جملات، سخنان علي عباسپور، رئيس سابق کميسيون آموزش و تحقيقات مجلس در گفت‌وگو با «شرق» است که در دوره هفتم و هشتم مسائل صندوق ذخيره فرهنگيان را پيکيري مي‌کرد و مي‌گويد بجته‌اي، مختلف همچ‌اگاه از اجازة ندادن اين موضوع در صحن علني به طور کامل مطرح شود.

عباسپور تکيد دارد که از اقدامات صندوق ذخيره فرهنگيان غير از سه تا چهار سال اول هشتاد سه‌واژه، چراکه منابع مالي بزرگي را در اختيار دارند به دست نوه دخل و تصرف در اين هفتيه مهم بود و ما

پیش‌بینی می‌کردیم که روزی در این صندوق فساد بزرگی رخ دهد.

تخلیفات گسترده این صندوق و ابهام آمیز بودن فعالیت‌های آن در اواخر سال ۸۹ آن‌قدر بالا گرفت که در اردیبهشت سال ۹۰ تعداد ۴۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش، خواستار عزل «محمدعلی شایسته‌تند» از مدیرعاملی صندوق ذخیره فرهنگیان شدند. مهم‌ترین دلایل اصرار نمایندگان بر عزل مدیرعامل صندوق فرهنگیان، «عضویت ایشان در هیات‌مدیره‌های مختلف با پاداش‌های مجزا، نارنجانی‌های صندوق از سوددهی آن، تأسیس شرکت‌های مختلف در زیرمجموعه صندوق ذخیره فرهنگیان و زیان‌دهی‌های برخی از این شرکت‌ها و کارشناسی

آتی به قدمت یک دهه

محاسبات مجلس و سازمان بازرسی کل کشور بود. پافشاری حاجی بابایی برای حضور شایسته‌نیا در صندوق و جلوگیری از تحقیق از آن باعث شد که در مهرماه سال ۹۰، سیدعلی ادیانی، نماینده قائمشهر در مجلس گفت: «صندوق ذخیره

زنگ خطری برای زنجیره تأمین دارو

نیز مسئله‌آفرین شده و فقط برای داروخانه‌ها مطرح نیست. رئیس سازمان غذا و دارو با بیان اینکه از طرفی گرفتاری داروخانه‌ها این است که حتی نمی‌توانند پول شرکت‌های دارویی را هم پرداخت کنند، تأکید کرد: بنابراین با ادامه این شرایط، واقعا خرجه تأمین دارو در کشور به‌تدریج دچار خطر می‌شود. دبیاروند در زمینه میزان تأخیر در پرداخت مطالبات هم گفت: در حال حاضر داروخانه‌ها نزدیک به هشتاد و نه درصد طلب دارند و این بسیاری زیاد است. در بیمارستان‌ها نیز میزان مطالبات پرداخت‌نشده حدوداً به یک سال می‌رسد. این بدهی‌ها به شرکت‌های توزیع دارو هم منتقل شده‌اند؛ یعنی شرکت‌های توزیع دارو هم‌اکنون نزدیک به یک ماه مطالبه دارند و این گرفتاری است که جود دارد و تأثیرش را هم در زنجیره تأمین دارو خواهد گذاشت.

گزارش «شرق» پیرامون تخلفات صندوقی که این روزها پرحاشیه شده است

صندوق ذخیره فرهنگیان؛ تخلصاتی به قدمت یک دهه

فہیمہ سادات طباطبائی



فرهنگیان و همه داشته‌ها و نداشته‌های آن نیاز به واکوی و آسیب‌شناسی جدی دارد. بر اساس این از وزیر آموزش و پرورش انتظار می‌رود نسبت به شفاف‌سازی درآمدها، هزینه‌ها و سرمایه‌های صندوق ذخیره فرهنگیان اطلاع‌رسانی لازم را انجام دهد».

رباره ابهامات صندوق

یک ذخیره‌فرهنگیان» در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۶۲ تا نیمه ابتدایی سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس در ادوار مختلف بیش از ۱۱ بار درباره ابهامات این صندوق مربوط به آقای علی‌اصغر فانی است و دو مورد مربوط به آقایان فرحیدی، سه مورد مربوط به آقای حمیدرضا احمدی و سه مورد مربوط به آقای حاجی‌بابایی، وزیر سابق آموزش و پرورش، است و دو مورد محصور سؤالات تابع ترتیب مربوط به ابهامات موجود در نحوه فعالیت، عزل و نصب مدیران، بانک سرمایه، شرکت‌های تابع مانند بیمه معلم و بانک سرمایه، شرکت لیزینگ فرهنگیان و گروه انرژی است.

به طور نمونه در هفتم دیماه سال ۱۳۹۳، محمدحسین آصفری، نماینده اراک، در نطق میان‌دستور خود در مجلس به موضوع «تحقیق و تفحص از مجلس اشاره کرده و گفته است: «چه کسی پاسخ‌گوینگاه‌داری بانک‌ها و سود هنگفتی که آنها از مردم بابت وام‌های پرداختی می‌گیرند، است؟ هیأت‌رئیس محترم نظارت باید در کنار قانون‌گذاری باشد؛ اما چندین ماه است که درخواست تحقیق و تفحص از شرکت شمس، سازمان حج و زیارت و صندوق ذخیره فرهنگیان را مطرح کرده‌ام؛ درحالی‌که هیچ اقدامی دراین‌باره انجام نگرفته است».

سؤالات نمایندگان در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که همواره موضوع تحقیق و تفحص از مجموعه صندوق ذخیره فرهنگیان با مخالفت وزیران آموزش و پرورش روبه‌رو بوده و آنها اجازه ورود به تنها نهاد اقتصادی آموزش و پرورش را

اضافه کاری پرستاران ۱۰ ماه است که پرداخت نشده

اشاره کرد و گفت: درحالی که اضافه کاری به اجبار به پرستاران تحمیل می شود، بین شش تا ۱۰ ماه است که آنها دستمزدها اضافه کرده اند. این شش تا ۱۰ ماه نگذشته است. سرزنی مقدم با اشاره به کارانه پرستاران، اعتراض های سال ۹۳ پرستاران در برخی از استان ها را یادآوری کرد و گفت: درحال حاضر هم پرستاران به شیوه های دیگری نارضایتی خود را ابراز می کنند و شیوه اعتراض ها تغییر کرده است. دبیرکل خانه پرستار: برای حل این بحران به مسئولان وزارت بهداشت پیشنهاد کرد همان طوری که شورای حاکم و دستمزد تصویب کرد که سقف خالی پرداختی ماچس به رؤسای قوای سه گانه، وزرا و نمایندگان مجلس باید زیر ۱۰ میلیون تومان باشد. وزارت بهداشت هم باید برای دستمزد پزشکان سقفی تعیین کند.

فکولته دانشکده شد، سیب زمینی پوتیتو

واژگان برای بچه‌ها آشناست، مثل وقتی که با میمیکراف می‌گویم: ما بچه‌ها نگر، کودک می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند».

تاکم‌فقه‌ا اینکه می‌توان این‌طور گفت همه آنهایی که دلبسته این فرهنگ و سرزمین هستند، باید قدر و اهمیت تلاش‌هایی از این دست را بدانند و آنها را حمایت کنند. زبان فارسی زمانی نه چندان دور از دربار عثمانی در غرب تا میان پادشاهان و دولته‌ها در شرق ... زبان دیوانی و زبان علم و دانش بوده، بدون شک امروز هم با همکارانی و همراهی‌ها توانایی بازسازی و پویایی را دارد. یزنه‌اش کوتاه‌آمدن در برابر این واادادگی عجیبی است که خیلی‌هایمان در برابر واژگان غریب داریم، انکار که اگر فلا چیز را به جای نام فارسی‌اش به

چون هم‌خانواده‌های زبانی دارند، به فهم بهتر منجر می‌شوند. در مقابل کلمه‌ای مثل اکزوستول، برای بچه‌های ما هیچ چیزی به ذهن متبادر نمی‌شود. در حالی‌که در برون‌رانی حس معنایی برای کودک ایجاد می‌شود. همین حس را به انگلیسی‌زبان هم دارد. کلمه کروعوپلاست هم همین است و کلی هم‌خانواده در زبان انگلیسی دارد ولی در فارسی فاقد معناست. پس یک مزیت آموزشی واژگان فارسی این است که واژگان هم‌خانواده دارند. وقتی به جای واژه انگلیسی سائترول می‌گوییم میانه، کودک می‌تواند این واژه را در ذهنش تصویرسازی کند. پس وجه اول برای ما حفاظت از قدرت زبان فارسی است و وجه دوم امتیاز آموزشی واژگان فارسی است که اکثریت از

یا مثلاً آقای دکتر عباس اقبال آشتیانی مقاله‌ای در نمکوش این حرکت در مجله بن چاپ کرد و این طور نوشت: «این کارها خیلی غلط است و بد نتیجه می‌رساند، چه کسی باور می‌کند به جای فکولته و یونیورسیتیه روزی مردم بگویند دانشکده و دانشگاه؟ هیچ‌کس به جای تحت‌البحری زیردریایی استفاده نمی‌کند». نتیجه اما چه شد؟ شهرریو اما گذشته بود که در صفحه جامعه «شوق» گزارشی منتشر شد که در آن با دکتر محمود امانی طهرانی، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های درسی، گفت‌وگو شده و او نکات و توضیحاتی داده به این شرح: «دلیل اصلی آنرا این است که زبان فارسی، برای ما مهم است. نکتۀ دوم اینکه وجه امتیازی آموزش فارسی برای بچه‌هاست. واژه‌ها فارسی

گلیسی بگویم، خیلی شیک تر و فاخر است. قطعاً و بدون شک هدف نوشته‌هایی از این دست پافشاری بر این نیست که همیشه و همه‌جا این واژه فارسی را به کار ببریم، همه می‌دانیم که فارسی پیوندهای ریشه‌داری با عربی دارد و حتی برخی واژگان و اصطلاحات انگلیسی هم در زبان ما مانده و تثبیت شده‌اند، بحث اصلی درباره حمایت از تلاش‌های درست برای پویاتر کردن زبان فارسی و همچنین نگهداشتن این کلماتی است که عادل فارسی منطقی و معقول دارند. اینکه راه جایی نرسد که حتی پنیز و پیاز و سیب‌زمینی را هم «جیز» و «انین» و «پیتینو» بگویم و بنویسیم، اندوختنی این زهر را در همه شیرینی‌فروشی‌ها و نان‌دوختی‌ها روزگار می‌بینیم.

سه‌شنبه • ۱۱ آبان ۱۳۹۵

ادامه از صفحه ۱۶

مهاجرت‌های بین‌المللی
درس‌سال ۲۰۱۵: آمار و ارقام

کشور لبنان با میزبانی (۱۰۱ میلیون) در رتبه سوم و جمهوری اسلامی ایران با میزبانی ۹۷۹ هزار نفر در جایگاه چهارم است. لازم به ذکر است این ارقام درباره پناهندگان قانونی بر طبق موازین سازمان ملل متحد است؛ در حالی که طبق آمار غیررسمی، بیش از دو میلیون مهاجر غیرقانونی در ایران زندگی می‌کنند. نکته حائز اهمیت درباره پناهجویان در ایران این است که تنها سه درصد از این جمعیت در میمان شهرها زندگی کرده و ۹۷ درصد از این جمعیت در شهرها گذران عمر می‌کنند. سال ۲۰۱۵ از لحاظ تغییر «مسیر مهاجرت‌های غیرقانونی» به یک نقطه عطف محسوب می‌شود؛ چراکه در این سال بسیاری از پناهجویان از طریق دریا سعی در رساندن غیرقانونی خود به اروپا یا استرالیا داشتند. در نتیجه، بیش از ۸۵۴ هزار نفر از طریق دریای مدیترانه به قبرس (به عنوان دروازه ورود به حوزه شکنج) وارد شدند. این مسئله تجرات گسترده‌ای را برای کشورهای منطقه و همچنین خود پناهجویان، به‌شخصی زنان و کودکان ایجاد کرد. تنها در این سال، بالغ بر پنج‌هزار و ۳۵۰ کودک و مرد پناه‌جو جان خود را برای رسیدن به زندگی بهتر، در دریا از دست داده‌اند. به‌روروی با توجه به آمار رسمی اعلام‌شده از طرف سازمان ملل متحد و مراکز تحقیقاتی مرتبط، مسئله مهاجرت و بحران پناهجویی، چه به صورت قانونی و چه غیرقانونی، در مرکز توجه رسانه و سیاست‌مداران قرار گرفته است.

✱ دانشجوی دکترای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی در دانشگاه برمن آلمان

آقای رئیس جمهور، جامعه زنان به کابینه مردانه شما، نه می گوید

ازسوی دیگر، به نظر می‌رسد مردم و بهیاری از زنان حتی فعالان این حوزه، به نوعی بی‌تفاوتی و بیگانگی با خویش‌شان رسیدند و گویی به آنها این تفکر تزریق شده که قرار نیست اوحدان هرگز از این بهتر شود. قرار نیست شما هرگز به‌جز از این‌ها دهنده‌های فعال، جایگاه بالاتر دیگری داشته باشید! آنچه تعدادی از فعالان اجتماعی و زنان را هم برانگیخته و در فضای مجازی کمیته‌ی تشکیل داده‌اند که به کابینه‌ی مردانه فعلی نه می‌گوید، این مسئله است که در سطح نظام فقط پروژه‌هایی برای توانمندسازی زنان ایرانی دائم به نمایش گذاشته می‌شوند. مطرح می‌شوند اگرچه به شک چینی اقداماتی وظیفه همه دولت‌ها به‌ویژه در جوامع روبه‌توسعه مانند جامعه ایران است، همچنین کارساز نیز هستند، اما این سؤال برای زنان و مردم ایران و همچنین مردم جهان شکل گرفته است آیا ایرانیان هیچ زن توانمندی - البته در مقایسه با مسئولان بر سر کار فعلی- که قدرت اداره استان‌ها، فرمانداری‌ها، وزارتخانه‌ها و حتی کسب مقام ریاست‌جمهوری را داشته باشند، ندارد؟! این سؤالی است که دولت و به صورت مشخص رئیس دولت اعتدال‌گرا باید بی‌پرده به جامعه زنان و دانشجوی به‌دنبال پاسخ دهد! چطور امکان دارد در کشور که زن-ان با وجود تمام موانع فرهنگی و اقتصادی و نه در آسایش و حمایت‌های همه‌جانبه مانند کشورهای توسعه‌یافته- آمار بالای حضور در آموزش عالی را دارند و تلاش می‌کنند از موانع عبور کنند، زمان تقاسم قدرت و کسب جایگاه‌های مدیریتی و سیاسی عالی ازجمله وزارت‌ها و معاونت‌ها، این‌گونه بیان و ابراز شود که همین زنان قدرت مدیریت بحران و اداره وزارتخانه‌ها یا حتی در سطوح پایین‌تر، معاونت و مدیریت‌های سازمانی را ندارند؟! آقای رئیس‌جمهور! جامعه زنان مه‌شوش و سطحی‌نگر نیست و می‌فهمد که همه این بهانه‌تراشی‌ها و نمایش‌ها ضرورت توانمندسازی زنان، برای جلوگیری از ورود آنها به ساختارهای قدرت و درست‌گرفتن مدیریت و وزارت و شاید یک روز هم ریاست دولت این کشور است؛ ازاین‌رو به کابینه مردانه شما، نه می‌گوید. نه برای اینکه همه این‌کابینه از جنس مرد هستند و نه برای اینکه این افراد نالایق هستند؛ تنها به‌این‌دلیل که این کابینه در واقع نماد نشتانی واضح از خلف‌وعده‌های دولت به‌زنانه ایرانی حامی‌اش است. اگر نیم‌نگاهی به سطوح مدیریتی و سیاسی پایین‌تر هم کنید، می‌بینید که آنها هم همسوا با کابینه شما و به صورت قاطع مردانه هستند. شاید لازم باشد که رئیس دولت اعتدال، به سال ۱۳۹۲ برگردد و یک بار، وعده‌هایی را که با آنها برای تمامی جمعیت کشور را داده کرد، گوش کند. دراین‌صورت شاید بتوان راحت‌تر حق داد به این بی‌اعتمادی اجتماعی شکل‌گرفته میان زنان و فضای بایس‌آلود و سرخورده از تحقق وعده‌ها، که قطعاً نتیجه خویشاوندی در انتخابات پیش‌روی دولت اعتدال شده‌ها باشد. چگونه دولت می‌تواند انتظار داشته باشد که زنان ایرانی آنچنان به ابرازارضا برای دهنده تبدیل شده باشند که در مطالبه‌ای کنند و نه به دنبال تحقق وعده‌ها و پیگیری آرایش‌ها باشند و مانند ربات‌ها، دست‌ساز برنامه‌ریزی‌شده فقط برای رئیس دولت و تیم دولت هورا بکشند؛ چشم و گوش بسته رازها را دهند و ولایت دلخوش باشند همین که هوایی برای نفس‌کشیدن به آنها عطا شده است، کافی است؟ این رویکرد نه‌تنها با مسیر توسعه‌یافتگی کشورهای جهان در قرن‌های اخیر همسو نیست، بلکه به صورت جدی خلاف روند پیشرفت کشور است و تا وقتی این وضعیت برقرار است امید به اعتدال نیست؛ چه برسد به اصلاحات توسعه‌محور و تحقق شعارهایی که این روزها زیاد می‌شنویم.